

نماز حاتم‌اف

نظری به حرکت جدیدیه آسیای میانه

حرکت جدیدیه در ابتدا همچون جریانی فرهنگی و معرفتی در اواخر سده ۱۹ در میان روشنفکران محلی آسیای میانه عرض هستی کرده، در آغاز سده ۲۰ همچون جریان اجتماعی و سیاسی اصلاح‌خواهانه در تحول و دگرگونی‌های جامعه نقش معینی بازی کرد.

طرفداران این حرکت با درک عمیق عقب‌ماندگی کشور خود و کساد معنوی مردم، از یک طرف به گسترش معرفت از طریق اصلاح مکتب و مدرسه و تأسیس مکتب‌های نو، مطبوعات و بیشتر منتشر نمودن ادبیات نو، از طرف دیگر با اصلاح نظام اداری کشور و فراهم آوردن شرایطی مساعد برای رفع فساد و بی‌نظمی و گرفتن باج و خراج و از همه مهمتر القای این موضوع که اسلام هیچ مخالفتی با مناسبات نو اقتصادی ندارد، کمر همت بستند.

مراکز برجسته حرکت جدیدیه در امارت بخارا - شهر بخارای کهنه (پایتخت امارت)، در قلمرو ترکستان روسیه - شهرهای تاشکند، سمرقند، خوقند و خانگیری خیه - شهر اورگنج بودند که مرکزهای علم و معرفت به حساب می‌رفتند.

در شهرها و روستاهای پرجمعیت آسیای میانه، مساجد زیادی و در نزد هر یک از آنها مکتب‌ها موجود بودند که در آخر سده ۱۹ و آغاز سده ۲۰ تعداد آنها خیلی افزوده شد. بنا بر معلومات سال ۱۸۹۹ میلادی تنها در ترکستان ۴۶۳۲ مکتب

۱۰ _____ روش‌نگاری ۱۶

عمل می‌کرد که ۴۴۷۷۳ نفر طلبگان تحت نظر مدرسین و ملاحا به تحصیل اشتغال داشتند. آنها از وضع دور و زمان و دگرگونی‌ها به زودی آگاهی می‌یافتند که در بسیار مورد باعث تقابل افکار می‌گردید.

از این مقدار در نیمه اول سده ۲۰ تنها در شهر بخارای کهنه ۳۶۰ مکتب اصول کهنه در نزد مساجد و طبق یک گزارش ۱۴۰ و طبق معلوماتی دیگر ۲۰۰ مدرسه فعالیت می‌کردند که از جمعیت ۷۰-۷۵ هزار نفری شهر، شماره طالب‌علمان ۲۰ هزار نفر را تشکیل می‌داد که ۱۰ هزار نفر آنها طلبگان مدرسه‌ها بودند. در سمرقند دارای ۳۰-۳۵ هزار نفوس، ۷۰ مکتب اصول کهنه و ۲۴ مدرسه فعال بود و در ۳۶ مدرسه شهر خوقند باستانی ۳۰ مکتب اصول کهنه ۴۹۰ نفر طالب‌علم، ۸ مکتب دخترانه ۹۷ نفر طالبه و ۴۷ مدرسه ۵۰ مدرس و هزار نفر طالب‌علم بودند. عموماً در ولایت فرغانه ۳۶۸ مدرسه با تعداد بیش از ۱۱ هزار نفر طلبه، تقریباً ۲ هزار مکتب ابتدایی با اصول کهنه تعلیم، ۳۰۰ مکتب دخترانه و بیش از ۶ هزار مسجد فعالیت داشتند.

بدین ترتیب این شهرهای پرنفوس و دارای مکتب و مدرسه‌های زیاد در اواخر سده ۱۹ و آغاز سده ۲۰ به مراکز اساسی حرکت جدیدیه تبدیل یافتند که وضعیت گوناگون اجتماعی و سیاسی داشتند. فعالیت آنها در ترکستان تا اندازه‌ای آزاد بود، زیرا حکومتداران روس، به استثنای دوران جنگ جهانی اول توجه چندانی به آنها نداشته و موانع زیادی هم ایجاد نمی‌کردند. از این رو جدیدان ترکستان در عملی ساختن هدف و مقصدهای خویش در همه شهرها و ناحیه‌ها به جز مقابله طرفداران اصول کهنه دیگر مانع‌های را احساس نمی‌کردند.

حرکت جدیدیه در ترکستان تا زمان انقلاب فوریه (سال ۱۹۱۷) روسیه

چنین اهدافی داشت: در مسئله تربیت: جوانان محلی را بیشتر به علم و معرفت، رواج کارهای تجاری و صنعتی دعوت می‌نمود. در این عرصه نوظواهران بی‌گفتگو طرفدار اصلاح اصول تعلیم در مکتب و مدرسه‌ها و بنیاد مکتب‌های اصول نو بودند. در زمینه سبک نمودن احوال مردم زحمت‌کش: به ترتیب در آوردن مالیاتها و کم کردن آنها؛ قطع نمودن مهاجرت دهقانان روس به کشور ترکستان؛ در مسئله اداره کردن کشور: اصلاح اصول اداری مستملکی، از جمله تغییر بعضی بندهای «نظامنامه عاید به اداره کشور ترکستان» که در اساس آنها عملداران حکومت پادشاهی نسبت به مردم محلی بی‌رحمی ظاهر می‌نمودند؛ در مسئله حقوق: حقوق مساوی رعیت مقیمی کشور با رعیت روس، محدودیت دخالت عملداران پادشاهی در اداره محلی که بعضاً باعث از طرف آنها پایمال نمودن عرف و عادت مردم می‌گردید و...

سروران حرکت جدیدیه در کشور ترکستان: محمودخواجه بهبودی (۱۸۷۵-۱۹۱۹)، عبدالقادر شکوری (عبدالقادر عبدالشکوراف) (۱۸۷۵-۱۹۴۳) هر دو در سمرقند، منور قاری (عبدالرشیداف) در تاشکند و دیگران بودند. از جمله م. بهبودی برابر ختم مدرسه به قزان و اوفه (Уфа)، مصر و ترکیه سفر نموده، با حیات آن کشورها به خوبی آشنا شده، نهایت طرفدار اصلاح اصول تعلیم در مکتب و مدرسه‌ها و بنیاد مکتب‌های اصول نو گردیده است. او محرر و ناشر روزنامه «سمرقند» (۱۹۱۳) و مجله «آیین» (۱۹۱۳-۱۹۱۵) بود. از جمله مجله «آیین» به زبان تاجیکی و ازبکی نشر می‌شد. به قلم وی همچنین نمایشنامه «پدرکش» تعلق دارد. منور قاری عبدالرشیداف ناشر و محرر روزنامه «خورشید» (سال ۱۹۰۶) بود. از جانب جدیدان ترکستان همچنین روزنامه‌های «ترقی» (سال ۱۹۰۶)، «شهرت» و «تجار» (سال ۱۹۰۷-۱۹۰۸)، «آسیا» (۱۹۱۳-۱۹۱۵)، «صدای ترکستان»

(۱۹۱۴-۱۹۱۵)، «صدای فرغانه» (۱۹۱۳) نشر می‌گردید. همه این روزنامه‌ها به زبان ازبکی چاپ می‌شدند.

در ترکستان مدرس و ملا و طلبگان مخالف حرکت جدیدیه کم نبودند، ولی آنها از مبارزه آشکارای ضد سیاست حکومت پادشاهی می‌ترسیدند. اما در امارت بخارا، وضعیت برای فعالیت جدیدان تماماً شکل دیگری داشت. حکومت امیری از روزهای اول طرفداران حرکت جدیدیه را تعقیب نموده، فعالیت مکتبهای اصول نو را منع کرد. چنین مناسبت به تنظیم حرکت جدیدیه بخارا مساعدت کرد. مخصوصاً سال ۱۹۰۹ از طرف حکومت امیری بسته شدن مکتب اصول نو میرزا عبدالواحد منظم (۱۸۷۷-۱۹۳۴) و ص. عینی (۱۸۷۸-۱۹۵۴) طرفداران حرکت نو را متحد نمود. طرفداران مکتب اصول نو از این پس به طور دایمی در زمینه تقدیر بخارا و مردم آن کارهای مکتب و مدرسه‌ها صحبت‌ها می‌آراستند. در نتیجه سالهای ۱۹۰۹-۱۹۱۰ در بخارا حرکت جدیدیه همچون حرکت اصلاحات خواهانه اجتماعی و سیاسی شکل گرفت.

ص. عینی همراه دوست خود ع. منظم از جمله سروران حرکت جدیدیه بخارا بودند. موافق معلومات ص عینی، آن سالها جدیدان بخارایی وضع امارت را مد نظر گرفته، بهر رشد و آبادی وطن خود - بخارا و خوشبختی مردم آن، چنین وظایفی برای خود مقرر و لازم دانستند: در بخش معارف (آموزش و پرورش): برچیدن بی‌سوادی به مدد تأسیس مکتب و مدرسه‌های اصول نو، اصلاح تعلیم در مدرسه‌ها، گسترش ادبیات نو و مطبوعات هر روزه؛ در بخش حمایت از منفعت خلق: تشویق به مردم درک رذیلت‌های حکومتداران امیری، اصراف کاری امیر و اهل دربار، همچنین برچیدن اصراف کاری‌های زیاد مردم هنگام برگزاری مراسم‌های عروسی و عزا و

دیگر مراسم، برقراری دوستی و رفاقت بین مردم و از بین بردن نزاع‌های مذهبی و غیره.^۱

در جریان حرکت جدیدیه بخارا، در ردیف روشنفکران، همچنین تاجران محلی مانند میلیونر معروف محی‌الدین منصوراف و پسر او عبدالقادر محی‌الدین‌اف (۱۸۹۲-۱۹۳۴) که از جمله معارف‌پروران بودند، داخل گردیدند. در نتیجه به مقصد و مرام معارف‌پرانه جدیدان بخارا باز هم بندهایی افزوده شد. از جمله: در بخش تجارت: در تمام سرزمین امارت مهیا نمودن امکانات برای رشد تجارت و برطرف نمودن هر گونه موانع موجود، در بخارا برپا نمودن بازار، راهها، پل‌ها و غیره؛ در بخش مالکیت: نه تنها تأمین نمودن دخل‌ناپذیری مالکیت، بلکه محافظت از آن بر اساس قانون از هر گونه نیت‌های عمدی امیر و عملداران، به ترتیب آوردن تقسیمات آب و غیره اضافه شد.^۲

این همه وظیفه‌هایی بودند که بر اساس آنها جدیدان بخارا باید در امارت فعالیت می‌کردند. در واقع راه‌اندازی چنین هدف و مرام در شرایط آن وقت بخارای امیری یک انقلاب محسوب می‌شد. زیرا اکثر سروران حکومت امیری و خیرخواهان‌شان هنوز از پیشرفتهای جهان نتیجه دلخواه و کافی نگرفته بودند و می‌خواستند که بخارا را مثل پیشتر بی هیچ تغییرات نگاه دارند. حتی در آغاز عصر ۲۰ یک گروه ارتجاعی بخارایی حتی در چراغ کراسینی (والور) نشانه انقلاب را دیده، برای استفاده آن در مسجدها سخت مقابله کردند. یا خود یکی از اشخاص بسیار بانفوذ بخارا غیاث مخدوم اعلم به شدت با افتتاح نمایشگاه فیلم و سنگفرش نمودن خیابانها مخالفت کرد که این مقابله‌ها و مخالفتها تنها با دخالت کارمندان گماشته سیاسی روسیه برطرف کرده شدند.

در شرایط خانگی خیره، جدیدان امکان فعالیت آزادانه را داشتند. زیرا رژیم خانی که در اینجا نسبتاً ضعیف بود، به جدیدان مقابله سخت نشان نداد. برعکس برخی نمایندگان جدیدان در حکومت خانی نفوذ زیاد داشتند. موقعیت مخالفان جدیدان نیز در این دیار نسبتاً ضعیف بود. مقصد و مرام جدیدان خیره به مقصد و مرام جدیدان کشور ترکستان و مخصوصاً بخارا موافقت می‌کرد. ولی کارهای عملی جدیدان خیره نظررس نبود.

جدیدان ادامه‌دهندگان فعالیت معارف‌پروران سده ۱۹ بودند. حرکت جدیدیه نسبت به معارف‌پروری گذشته یک قدم پیش است. زیرا معارف‌پروران اول به جز تنقید نارسایی‌های زمان بر اثر و صحبت‌ها، شعر و سرودهای خود در اصلاح آنها کاری انجام ندادند. جدیدان در دوره اول اکثراً فعالیت خود را با کار عملی - تشکیلی مکتب‌های اصول نو، نشر روزنامه‌ها، اصلاح اصول تعلیم در مدرسه آغاز کردند. فعالان این حرکت اهل سواد، ملا و ملازده‌ها، مدرسان و طلبه‌های مدارس، یعنی اکثریت مسلمان بودند. بنابر این آنها در دایره اسلام فعالیت نموده، خواهان اصلاحات در ملک خود، رهایی مردم از فقر و بینوایی و رساندن این مملکت در ردیف سایر ممالک ترقی کرده جهان بودند.

ولی در اواخر سده ۱۹ در بین برخی از جدیدان، پدیده ترک‌پرستی (پانترکیسم) که مرکز آن در ترکیه بود، گسترش یافت. موافق تعلیمات ترک‌پرستان یک مجموعه از ملت‌های جهان به مانند یونانی‌ها، فارس‌ها، عرب‌ها گرفتار خرابی‌اند و آنها گویی آینده ندارند. گروه دیگر ملت‌ها، از جمله مردم اروپا گویی به انتها می‌رسند، تنها گروه سوم ملت‌ها که به آنها تنها ترک‌ها را نسبت می‌دادند، قابلیت رشد و ترقی دارند و آینده دنیا نصیب آنها خواهد بود. از این رو

آنها «یگانگی ملی و دولتی» همهٔ خلق‌های ترک‌زبان را ترغیب می‌کردند. آنها راه اساسی عملی گردیدن مقصدشان را در یگانگی زبان ترکی دیده، برای به ترکی گرداندن زبان‌های غیرترکی شروع به تلاش نمودند. در حدود دولت ترکیه، آن گروه زبان‌هایی را که ترکی نمودنشان غیرممکن بود، شروع به نابود کردن گویشوران آن کردند. با همین مقصد سالهای ۱۹۱۵-۱۹۱۶ در حدود این دولت قتل عام عمومی مردم ارامنه صورت گرفت.

ترک‌پرستی در حدود امپراتوری روسیه بین ملت‌چیان تاتار و قریم (Крим) و پوالتزی (Поволжье= از شهرهای روسیه) هم‌آوازی زیاد پیدا کرد. زیرا آنها در این رویه واسطهٔ یگانگی جدایی از دولت روسیه را می‌دیدند. باید تأکید کرد که گروهی از مترجمان، حتی کارمندان خرد دولت روسیه در آسیای میانه از جمله تاتارها بوده، بعضی از آنها در ردیف جدیدان تاتار همین رویه را دستگیری می‌کردند.

در نتیجه جوانان آسیای میانه‌ای که به ترکیه و یا به قریم و پوالتزی سفر کرده‌اند، یا خود از طرف جدیدان برای تحصیل فرستاده شده‌اند، به زودی تحت تأثیر همین رویه گرفتار می‌شدند که در نهایت آنها همچون کسانی برای زبان خود بیگانه ترغیب‌گر رویهٔ ترک‌پرستی پرورش می‌یافتند و عمل می‌کردند.

در شرایط آسیای میانه، ترک‌پرستان موجودیت نه تنها تاجیکان، بلکه ازبکان، ترکمن‌ها، قزاق‌ها، قرقیزها و دیگر مردم ترک‌زبان را نیز انکار می‌کردند. تاجیکان را «ترک‌های با تأثیر ادبیات کلاسیکی فارس زبان خود را گم کرده» حساب می‌کردند. بنابر این آنها می‌گفتند: «تاجیک‌ها باید به اصل خود- ترک‌ها تبدیل داده شوند».

در تحقیق راجع به معین نمودن ترک‌پرستی جدیدان آسیای میانه، هوشیاری جدی لازم است. پیش از همه باید به نظر گرفت که حرکت جدیدی و ترک‌پرستی

هیچ گاه حرکت یگانه نبود و نه همه جدیدان در تمام دوره فعالیتشان ترک پرست بودند. مخصوصاً در دوره اول فعالیت جدیدان بخارا تأثیر روبه ترک پرستی خیلی کم بود. از همین سبب هم جدیدان بخارا اولین مکتب اصول نو و اولین روزنامه را به زبان فارسی تاجیکی تشکیل نمودند. ولی پوشیده نیست که نفوذ ترک پرستی در فعالیت آنها سال به سال افزوده، جدیدان آسیای میانه در سیمای دولت ترکیه نمونه بهترین دولت ترقی کرده اسلامی را دیده، نسبت به آن توجه زیادی پیدا کرده بودند. گروهی از روشنفکران تاجیک که شامل حرکت جدیدیه بودند، نیز به ایده ترک پرستی زهرآلود شده، از این پس خود را ترک شمرده، نسبت به ملت و زبان خود خیانت کرده‌اند که آن موضوع بحث جداگانه است.

بدین ترتیب، حرکت جدیدیه چه در حدود ترکستان، چه امارت بخارا و خانگی خیره در بیداری مردم نقش معینی داشته، در ترغیب و تشویق نوسازیها خدمتی بارز کرده است که بررسی جامعی را تقاضا دارد.

پی‌نوشتها:

۱- عینی ص. تاریخ انقلاب بخارا، ص ۶۹-۷۰.

۲- این گفته‌ها را اسناد بایگانی نیز تأیید می‌کنند. چنان که اوایل سال ۱۹۱۱ دو نفر تاجر نامدار بخارا- ک. عزیزاف و جوره‌بیک عرب‌اف هنگام ملاقات با نمایندگان امیر به نمایندگی از تاجران، درخواست‌های ذیل را به امیر پیشنهاد کردند: ۱. در بخارا برپا نمودن بازار؛ ۲. ساختن پل‌های نو؛ ۳. در بازارها جاری نمودن نظارت قطعی بر درستی ترازو و اندازه‌گیری گزوارها؛ ۴. به ترتیب درآوردن تقسمات آب؛ ۵. منع نمودن، ماسه به خرج، ۶. شد مکتب‌ها، اندام، (بانگانه، مرکزی دولتی ح)